

فهرست

11	مقدمه مؤلف	11
15	توحید زیر بنای همه عبادت‌هاست	15
23	باب ۱: در بیان فضیلت توحید و مومنان آن توسط آن	23
29	باب ۲: در بیان کسیکه توحید را کاملاً تحقق بخشد بدون حساب و دخل بهشت میشود	29
35	باب ۳: در بیان خوف داشتن از شرک	35
40	باب ۴: در بیان دعوت دادن مردم به شهادت "لا اله الا الله"	40
47	باب ۵: در بیان تفسیر توحید و کلمه شهادت "لا اله الا الله"	47
53	باب ۶: در بیان اینکه پوشیدن دستبند و چپل بند و امثال آن به قصد رفع بلاء، و یاد دفع مصائب، شرک است	53
60	باب ۷: در بیان حکم دم انداختن و تعویذات	60
66	باب ۸: در بیان حکم کسیکه به درخت و یا سنگ و امثال آن تبرک جوید	66
77	باب ۹: در بیان احکام ذبح به غیر الله	77
85	باب ۱۰: در بیان اینکه در جائیکه دران برای غیر الله ذبح شده باشد نباید دران برای الله ذبح نمود	85
90	باب ۱۱: در بیان اینکه نذر به غیر الله از امور شرک است	90



- باب: ۱۲ در بیان شرک استعاذه (پناه جستن) به غیر الله 92
- باب: ۱۳ در بیان اینکه استغاثه به غیر الله و یاد کردن غیر الله شرک است 95
- باب: ۱۴ در بیان اینکه مخلوق فاقد اختیار را دعا کردن شرک است 102
- باب: ۱۵ در بیان خوف فرشتگان از وحی الهی 109
- باب: ۱۶ در بیان شفاعت 115
- باب: ۱۷ در بیان اینکه هدایت دهنده تنها الله است و بس 125
- باب: ۱۸ در بیان اینکه سب کفر بنی آدم و ترک دین ایشان غلور در تعظیم صالحین است 130
- باب: ۱۹ در بیان وعید در باره شخص که الله را در پای قبر مرد صالحی پرستش میکند و حالت آنکه خود قبر را پرستش کند چگونه خواهد بود؟! 138
- باب: ۲۰ در بیان غلور در تعظیم قبور صالحین 147
- باب: ۲۱ در بیان اینکه پیامبر ﷺ از مرتزق حیدر نگهداری نموده و هر راه را که به شرک منجر شود بسته است 151
- باب: ۲۲ در بیان پیشگویی پیامبر ﷺ مبنی بر اینکه بعضی از این امت محمدی بت بار پرستش میکنند 155
- باب: ۲۳ در بیان آنچه که در باره سحر آمده است 164
- باب: ۲۴ در بیان بعضی انواع سحر 169
- باب: ۲۵ مطالبی در باره نجومیان و غیب گویان 174
- باب: ۲۶ در بیان احادیث که در باره شوره (حل جادو) آمده است 180
- باب: ۲۷ در بیان مسائل متعلق به بدفالی 183
- باب: ۲۸ در بیان علم نجوم (ستاره شناسی) و انواع آن 189

- باب: ۲۹ در بیان حکم طلب نمودن باران از ستارگان 193
- باب: ۳۰ در بیان اینکه محبت الله زیر بنای دین است 198
- باب: ۳۱ در بیان ترس و خوف داشتن از الله تعالی 203
- باب: ۳۲ در باره اینکه بنده باید تنها به الله تعالی توکل کند 207
- باب: ۳۳ در باره اینکه مؤمن نباید از گرفتار شدن خود در امری بپندارد 211
- باب: ۳۴ در بیان اینکه صبر به قضاء و قدر الهی یک بخش از ایمان به الله است 214
- باب: ۳۵ در بیان ضررهای ریا 218
- باب: ۳۶ در بیان اینکه اگر انسان به عمل خود دنیا را هدف قرار دهد با این عمل مرتکب شرک گردیده است 221
- باب: ۳۷ اطاعت از علماء و امراء در تحریم حلال، و یا تحلیل حرام، به مفهوم عبودیت آنهاست 225
- باب: ۳۸ حقایق در باره بعضی مدعیان ایمان 229
- باب: ۳۹ در بیان اسماء و صفات الله تعالی 234
- باب: ۴۰ در بیان اینکه کفران نمودن از نعمت الله کفر است 237
- باب: ۴۱ در بیان بعضی صورت های شرک خفی 240
- باب: ۴۲ در بیان گناه کسیکه به قسم خوردن بنام الله باور نکند 244
- باب: ۴۳ در بیان این قول (مردم) که میگویند (اگر الله بخواد تو بخوابی) 246
- باب: ۴۴ در بیان کسیکه دهر را دشنام دهد در حقیقت الله تعالی را ناراض ساخته است 250
- باب: ۴۵ در بیان تسمیه نمودن کسی به قاضی القضاة و شهنشاه 253
- باب: ۴۶ در بیان احترام اسماء الله تعالی و تغییر نام بخاطر آن 255

- باب: ۴۷ در بیان کسیکه به چیزی استهزاء کند که دران ذکر الله،
 یا قرآن، و یا پیامبر باشد 258
- باب: ۴۸ در بیان شکرگذاری به انعامات و احسانات الله تعالی 262
- باب: ۴۹ در بیان طلب کردن اولاد از غیر الله و شریک
 آوردن به الله 269
- باب: ۵۰ در بیان اسماء الله الحسنى 273
- باب: ۵۱ در بیان اینکه نباید "السلام علی الله" گفته شود 276
- باب: ۵۲ در بیان این قول مردم که میگویند "ای الله اگر خواهی مرا بخش"
 در بیان اینکه نباید گفته شود "بنده ام و یا کنیزم" 278
- باب: ۵۳ در بیان اینکه اگر کسی بنام الله سوال کند نباید او را دست خالی رد نمود 280
- باب: ۵۴ در بیان اینکه اگر کسی بنام الله سوال کند نباید او را دست خالی رد نمود 282
- باب: ۵۵ در بیان اینکه نباید به وجه الله جز بهشت چیزی دیگری سوال شود 284
- باب: ۵۶ در بیان مطلب "لو" یعنی "اگر" 285
- باب: ۵۷ در بیان نهی از دشنام دادن باد 287
- باب: ۵۸ در بیان منع از بدگمانی به الله تعالی 289
- باب: ۵۹ در بیان مکرین قضا و قدر 293
- باب: ۶۰ در بیان احکام مصورین 298
- باب: ۶۱ در بیان کثرت قسم خوردن 302
- باب: ۶۲ در بیان عهد الله و عهد پیامبرش 306
- باب: ۶۳ در بیان قسم خوردن بنام الله 310

- باب: ۶۴ در بیان اینکه نباید الله را بر مخلوق شفیع آورد 312
- باب: ۶۵ در بیان حمایت پیامبر ﷺ از مرز توحید
 و بسته نمودن ایشان راه های شرک را 314
- باب: ۶۶ در بیان رفعت شأن الله تعالی 317

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توحید زیربنای همه عبادتهاست

الله تعالی فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (الذاریات ۵۱/۵۶)

”نیافریدیم جنیات و انسانهارا مگر برای آنکه مرا عبادت کنند“^①

الله تعالی فرموده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

الطَّاغُوتَ﴾ (النحل ۱۶/۳۶)

① یعنی من جن ها و انسانهارا بخاطر کدام چیز و یا کدام هدفی دیگر غیر از یک هدف که عبارت از عبادت من است نیافریدم، و درین آیت بیان توحید است، دلیل این مدعا آنست که سلف امت اسلامی این بخش آیه ﴿إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ را به ”الْأَلْيُوحِدُونَ“ که معنایش ”مگر اینکه مرا به یگانگی بپرستند“ می باشد، تفسیر کرده اند، دلیل برداشت چنین مفهوم ازین آیت اینست که ارسال انبیاء و پیامبران جلیل القدر از جانب الله تعالی خاص بخاطر رساندن توحید عبادت به مردم و تحقق آن بوده است.

حقیقت عبادت: همانا خضوع و تذلل است، و هرگاه محبت و اتقیاد به این دو اضافه شود مفهوم عبادت شرعی را بخود میگیرد، و عبادت در اصطلاح شرع همانا امتثال از امر و اجتناب از نهی الله تعالی بروفق محبت و رجاء و خوف است شیخ الاسلام ابن تیمیة -رحمة الله علیه- دربارهء تعریف عبادت گفته است: ”عبادت اسم جامع است برای هرآن امریکه الله تعالی آنرا پسند داشته باشد اعم از اقوال، و افعال ظاهری و باطنی“. بنابراین دلالت این آیه کریمه چنین میشود: هر جزء از اجزاء عبادت باید لزوماً خاص برای الله تعالی بوده باشد، بطوریکه هیچ یکی را نباید دران شریک ساخت.

توحید در لغت به معنی یکتا بودن است... توحید در اصطلاح به معنی یکتا بودن خداوند است... توحید زیربنای همه عبادتهاست... توحید در لغت به معنی یکتا بودن است... توحید در اصطلاح به معنی یکتا بودن خداوند است... توحید زیربنای همه عبادتهاست...

این آیه بیان می کند که توحید را شیخ (رحمه الله) درین کتاب به محمل ذکر کرده و چیزی که مردم ضرورت داشته بود بطور تفصیل بیان کرده است... توحید در لغت به معنی یکتا بودن است... توحید در اصطلاح به معنی یکتا بودن خداوند است...

توحید در لغت به معنی یکتا بودن است... توحید در اصطلاح به معنی یکتا بودن خداوند است... توحید زیربنای همه عبادتهاست... توحید در لغت به معنی یکتا بودن است... توحید در اصطلاح به معنی یکتا بودن خداوند است...

”و محققا ما برای هر امتی پیامبری فرستادیم (برای بیان این مطلب) که خاص الله تعالی را عبادت کنید و از طاغوت (غیر الله) اجتناب نمائید“^①

و فرموده است:

﴿ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ﴾
(الإسراء/ ۱۷/ ۲۳)

”و پروردگار تو حکم نمود که عبادت مکنید مگر خاص خودش (الله) را و (اینکه) با پدر و مادر نیکویی کنید“^②

و این فرموده الله:

﴿ وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ﴾ (النساء/ ۴/ ۳۶)

”والله را عبادت کنید و به وی چیزی را شریک نیاورید“^③

① این آیه تفسیر است برای مفهوم عبادت و مفهوم توحید، و تفسیر است برای بیان این مطلب که پیامبران علیهم السلام خاص بخاطر ابلاغ این دو کلمه فرستاده شده اند (یکی اینکه) الله تعالی را عبادت کنند و (دیگر) اینکه از طاغوت اجتناب ورزند اینست مفهوم توحید. درین بخش از قول الله ﴿اعْبُدُوا اللَّهَ﴾ ”الله را عبادت کنید“ اثبات توحید است، و درین بخش دیگر قول الله ﴿وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...﴾ ”از طاغوت اجتناب کنید“ نفی شرک است.

طاغوت: بروز فعلت از مصدر طغیان گرفته شده است، و طغیان هر آنچه را گویند که بنده از حدود آن تجاوز نماید چه معبود باشد و یا متبوع و یا کسیکه اطاعتش را بر خود لازم ساخته باشد.

② به این مفهوم که الله به بندگان خود امر نموده و توصیه کرده است که عبادت نکنند مگر خاص خودش (الله) را، یعنی عبادت را منحصر به ذات الله سازید و کسی را به وی شریک نسازید، الله تعالی به این مطلب امر و تأکید نموده است، و اینست مفهوم لاله الا الله به معنای حقیقی و مطابقتش، بنابراین دلالت این آیه به توحید ظاهر و آشکار است بر اینکه مفهوم توحید، خالص داشتن عبادت برای الله تعالی یا تحقیق کلمه لاله الا الله است.

③ این آیه برنهی از همه انواع شرک دلالت میکند چه شرک اکبر باشد، و یا اصغر

و این فرموده الله تعالی:

﴿ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ﴾ (الأنعام/ ۱۵۱)

”(بگو ای محمد) بیائید تا بخوانم بر شما آنچه را که پروردگار تان بر شما حرام ساخته است (و آن اینکه) به وی چیزی را شریک نسازید“^①

ابن مسعود رضی الله عنه گفته است: ”اگر کسی خواسته باشد که به وصیت مهر زده شده محمد ﷺ بنگردد او را بایست که این فرموده الله تعالی را بخواند:

﴿ قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ تَحْنُ نَرُزِقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّيْتُكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۱﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَالْعَهْدُ الَّذِي لَكُمْ بِرَبِّكُمْ إِذَا كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَوَعْدُ

﴿ و یا خفی، هم چنان بنده حق ندارد فرشته یا پیامبر یا مرد صالحی، یا سنگ و درخت و جن... و غیره را که همه مخلوق اند به الله شریک سازد.

① تفسیر این فرموده الله ﴿قُلْ تَعَالَوْا...﴾ چنین میشود: بگو ای بندگان الله بیائید تا بر شما آنچه را که پروردگار تان بر شما حرام گردانیده است بخوانم یعنی به شما امر و وصیت نموده است که به وی چیزی را شریک نسازید، مراد به وصیت درینجا مفهوم شرعی آنست، وقتی وصیت از طرف الله تعالی صفت شرعی بودن داشته باشد، مفهوم آن امر لازمی و حتمی است، و دلالت این آیه برای اثبات توحید مثل دلالت آیت قبلی است.

